

هو

اسم و فامیل:

آزمونک فصل یک

۱: معنی عبارت‌های خواسته‌شده را بنویس.

- الف) پرستار امرش همه‌چیز و کس
ب) رعدوبرق شب طنین خنده‌اش
ج) خداوندش را بگوی که گرگ ببرد
مطیع، فرمان‌بردار، اطاعت‌کننده
پژواک
صاحب، رئیس، ارباب

۲: جمع یا مفرد بودن واژه‌ها زیر را مشخص کن و مفرد واژه‌های جمع را بنویس.

- الف) اسرار: جمع سر ب) اندام: مفرد ج) تماثل: جمع تمثال
د) ابزار: مفرد ه) احساس: مفرد و) آداب: جمع ادب

۳: نقش دستوری واژه‌های خواسته‌شده را بنویس.

- الف) چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است، آن بینی

جان: مفعول نادیدنی: مسند

ب) طاووس را به نقش و نگاری هست، خلق / تحسین کنند و او خجل از پای زشت خویش

طاووس: مفعول خلق: نهاد خجل: مسند پای زشت خویش: متمم

ج) شب را چونان چراغی برمی‌گزیند تا در پرتوی تاریکی آن روزی خود را جست‌وجو کند.

چراغی: متمم روزی: مفعول

۴: ابیات زیر را کامل و به فارسی روان توضیح بده.

د) یکی را به سر برنهد تاج بخت یکی را به خاک اندر آرد ز تخت

خداوند به هرکس که بخواهد، خوش‌بختی را مانند یک تاج عطا می‌کند و هرکس که بخواهد را از تخت پادشاهی به خاک می‌اندازد و بدبخت می‌کند.

ه) جهان متّفق بر الهیتش

فرو مانده از کنه ماهیتش

تمام جهان بر خداوندی و وجودِ خدا هم‌نظر و یک‌دل هستند اما همگی از فهمیدن ذات و چیستی خداوند ناتوان هستند.

۵: تشبیه‌های عبارت‌های زیر را همراهِ ارکان هر تشبیه مشخص کن.

الف) شب را چونان چراغی برمی‌گزیند تا در پرتوی تاریکی آن روزی خود را جست‌وجو کند.

مشبّه: شب

مشبّه‌به: چراغی

ادوات تشبیه: چونان

وجه شبه: خفاش از تاریکی شب مثل نور چراغ برای دیدن و جستن استفاده می‌کند.

ب) این بال‌ها همانند لاله‌های گوش‌اند، بی‌پر و بدون رگ‌های اصلی.

مشبّه: بال‌ها

مشبّه‌به: لاله‌های گوش

ادوات تشبیه: همانند

وجه شبه: هم بال‌های خفاش و هم لاله‌های گوش انسان بی‌پر و بدون رگ‌های اصلی‌اند.

ج) کیست آن صورتگر ماهر که بی تقلید غیر / این همه صورت بَرَد بر صفحه‌ هستی به کار

مشبّه: هستی

مشبّه‌به: صفحه

ادوات تشبیه: ندارد

وجه شبه: خداوند بر روی هستی نقاشی کرده‌است همان‌طور که نقاش بر صفحه می‌کند.

۶: در هر بیت دو آرایهٔ ادبی بیاب و توضیح بده.

الف) برق از شوق که می‌خندد بدین‌سان قاه‌قاه / ابر از هجر که می‌گرید بدین‌سان زارزار

۱) تشخیص: خندیدن برق یا گریستن ابر

۲) تضاد: می‌خندد و می‌گرید یا قاه‌قاه و زارزار

ب) دوستی از من به من نزدیک‌تر / از رگ گردن به من نزدیک‌تر

۱) تکرار: کلمهٔ «من»

۲) تلمیح: نزدیک‌تر بودن خداوند از رگ گردن به انسان

۳) کنایه: نزدیک‌تر بودن از رگ گردن کنایه از بسیار نزدیک بودن